



طواف و محدوده آن از نگاه فقیهان مسلمان

پدیدآورنده (ها) : زروندی رحمانی، محمد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی :: پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۲۹

صفحات : از ۳ تا ۲۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/756943>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۱۰/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نفوذ و راه های مقابله آن از نگاه امام خامنه‌ای (حفظه الله)
- بررسی موانع فرهنگی سبک زندگی اسلامی و راهکارهای رفع آن از نگاه قرآن و نهج البلاغه
- دینکرد (واپسین دانشنامه زرتشتی در ایران اسلامی) و نگاه برخی مورخان مسلمان به آن
- شرطیت طهارت در طواف از منظر امامیه و مقایسه آن با فقه مذاهب اربعه
- «بررسی معانی سفر آفاقی و دستاوردهای آن از منظر عرفای مسلمان»
- جعل معنا از نگاه سارتر و نقد و بررسی آن بر اساس مبانی شناخت‌گرایی
- گردشگری و تعیین محدوده ی آسایش اقلیمی آن در شهرستان مریوان با استفاده از شاخص های دمای مؤثر و تنش تجمعی
- عوامل هم‌افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تاکید بر نگاه علامه طباطبایی رحمه الله تعالی
- بررسی عینیت ذات و صفات ذاتی حق تعالی و تکفیر منکران آن از نگاه اشاعره
- تعریف بانک داری اسلامی و مؤلفه های آن از نگاه فقه حکومتی

طواف و محدوده آن از نگاه فقیهان مسلمان

محمد زروندی رحمانی**

چکیده

مبحث محدوده طواف همواره مورد توجه فقیهان شیعه و اهل سنت بوده است. در میان فقیهان شیعه نظرات متعددی وجود دارد. در این مقاله پس از بررسی ادله تحدید مطاف، جواز طواف پشت مقام به اثبات رسیده است. فقیهان اهل سنت نیز تمام مسجد را مطاف می‌دانند و مطاف را به فاصله میان خانه و مقام محدود نمی‌کنند. در این نوشتار دیدگاه مذاهب مختلف فقهی اهل سنت مطرح و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: طواف، مقام ابراهیم، مطاف، فقیهان اهل سنت، فقیهان شیعه.

تاریخ تأیید: ۸۸/۵/۲۳

* تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۱۰

** هیأت علمی مجتمع آموزش عالی فقه قم.

طواف یکی از ارکان حج و عمره است و مشخص کردن محدوده مطاف، از مباحث مهم حج است و از آنجا که این مسئله مورد ابتلای همگان است و از برخی جوانب نیز نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر دارد و از سوی دیگر، برخی نظرات مکاتب فقهی اهل سنت برای عموم روحانیون کاروانهای حج، سودمند و برای تعدادی از آنها ضروری است، این نوشتار ضمن بررسی اقوال فقهی فریقین در پی آن است که ثابت کند تحدید مطاف به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم، اساس قابل قبولی ندارد.

پیشینه مسئله

بی‌گمان بررسی و تحقیق از تاریخچه تحدید مطاف، نقش زیادی در روشن شدن مسئله دارد. از این رو، نگاه اجمالی به آن ضرور می‌نماید. هدف از این سیر تاریخی، آن است که:
 اولاً: بیابیم آیا «تحدید مطاف» به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم علیه السلام (بیست و شش و نیم ذراع) در کلمات فقیهان پیشین که به عصر ائمه علیهم السلام نزدیک‌تر بوده‌اند و در باور برخی از فقیهان عصر ما گفته آنها به منزله قول معصوم است، وجود دارد یا نه.

ثانیاً: گذشته از این، فقیهانی که مطاف را به حد مذکور محدود دانسته‌اند، در میان ادله خویش، به روایت ضعیف‌السندی تمسک جسته‌اند و شهرت را جابر ضعف سند به حساب آورده‌اند. بررسی دیدگاه فقیهان ما در طول تاریخ، صحت و سقم این ادعا (شهرت) را در بین قدمای اصحاب روشن خواهد کرد و در نتیجه، جایگاه استدلال به آن روایت را تعیین خواهد کرد.

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) در «الهدایة فی الاصول والفروع» درباره واجبات طواف، فقط این نکته را یادآور شده است که: «باید هفت شوط باشد».^۱

شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در «المقننه فی الاصول والفروع» فرموده است: «ثم یستفتح الطواف بالجر الاسود...»؛ «طواف از حجر الاسود شروع می‌شود».^۲ و متعرض محدوده طواف نشده است. سیدمرتضی (۳۳۵-۴۳۶ق) نیز در «جمل العلم والعمل» همانند شیخ مفید آغاز طواف را از حجر الاسود و انجام آن را به حجر الاسود واجب شمرده است.^۳

ایشان در «الاتصار» که به مسائل اختصاصی شیعه از جمله حج می‌پردازد، متعرض این مطلب که طواف باید بین مقام و خانه باشد، نشده است.^۴

وی، در «الاقتصاد» که مسائل بیشتری را در ارتباط با طوایف متعرض شده است، این مطلب را نیز طرح نکرده است.^۵

ابی‌صلاح حلبی (۳۴۷-۴۴۷ق) در «الکافی فی الفقه» نیز متعرض این مسئله نشده و فقط

طواف

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۴

فرموده است: «شروع طواف باید از حجرالاسود باشد».^۷

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) در «النهاية في مجرد الفقه والفتاوى» که نسبت به فقیهان پیش از خود، مسائل زیادتری را درباره طواف آورده است نیز به این مسئله نپرداخته است.^۸

وی در «الجمل والمعقود»، در احکام طواف می‌فرماید: «واجبات طواف چهار چیز است:

۱. شروع طواف از حجرالاسود؛ ۲. تکمیل هفت شوط؛ ۳. طهارت؛ ۴. دو رکعت نماز، نزد مقام».^۹

ملاحظه می‌کنید که از تحدید مطاف سخنی به میان نیاورده است.

همو در «الخلافا» فرموده است:

مسئله: اذا تباعد من البيت حتى يطوف بالسقايه و زمزم لم يجزئه و

قال الشافعي يجزئه دليلنا ان ما ذكرنا مقطوع على اجزائه و ما ذكره

ليس على اجزائه دليل، فلاحتياب ايضاً يقتضى ما قلناه.^{۱۰}

هرگاه طواف کننده از خانه به حدی دور شود که به محل سقايه و چاه زمزم

برسد، طوافش مجزی نیست و شافعی گفته است مجزی است. دلیل ما

این است که آنچه ما درباره طواف دور خانه گفته‌ایم، قطعاً مجزی است،

ولی مکفی بودن آنچه آنان گفته‌اند (طواف بر سقايه و زمزم)، بی دلیل

است. پس، احتیاط نیز مقتضی قول ماست.

ملاحظه می‌شود برای تحدید، به روایت استدلال نشده بلکه به احتیاط تمسک جسته است.

در این ارتباط، در «المبسوط في فقه الامامية» نیز - که فروعاً زیادی را طرح

کرده است - می‌فرماید:

و ينبغي أن يكون طوافه فيما بين المقام والبيت و لا يجوز، فان

حاز المقام و تباعد عنه لم يصح طوافه.^{۱۱}

سزاوار است طواف بین خانه و مقام باشد و از آن حد تجاوز نشود و چنانچه

از مقام تجاوز کرد، طواف صحیح نیست.

عبدالعزيز ديلمى مشهور به «سلار» (متوفای ۴۶۳ق)، در «المراسم العلوية» فقط به این

نکته اشاره کرده است که: «شروع طواف باید از حجرالاسود باشد».^{۱۲}

قاضی ابن براج (۴۰۰-۴۸۱ق) در «جواهر» متعرض این مسئله نشده است.^{۱۳}

همو در «المهذب في الفقه» فرموده است: «و يجب أن يكون طوافه بين المقام والبيت»؛

«واجب است طواف بین خانه و مقام واقع شود».^{۱۴}

ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵ق) در «غنية النزوع الى علم الأصول والفروع»، بعد از بیان چندین واجب از

واجبات طواف، آورده است:

و أن يكون بين البيت والمقام فمن ترك شيئاً من ذلك لم يجزئه

الطواف بدليل الاجماع الماضى ذكره و طريقة الاحتياط واليقين

لبراءة الذمة لأنه لا خلاف في براءة الذمة منه إذا فعل على الوجه الذي ذكرناه و ليس على براءتها منه إذا فعل على خلافه دليل.^{۱۵}
 و از واجبات طواف این است که باید (طواف) بین بیت و مقام باشد و اگر یکی از واجبات طواف را به جا نیاورد، طوافش مجزی نیست. به دلیل اجماع پیشین و چون این حکم، شیوه احتیاط و یقین به براءت ذمه است؛ زیرا بدون هیچ خلاقی، اگر طواف را بر شیوه مذکور بیاورد، ذمه اش بری شده است؛ ولی دلیلی بر حصول براءت ذمه برخلاف این روش وجود ندارد.

ایشان هم دلیل تحدید را اجماع و احتیاط قرار داده است، نه روایت.

ابن حمزه (متوفای حدود ۵۸۰هـ) در «الوسیله الی نیل الفضیله»، طواف بین مقام و بیت را از واجبات طواف شمرده است: «و ان يطوف بين المقام والبيت».^{۱۶}

ابن ادریس (متوفای ۵۹۸هـ) در «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» فرموده است: «و ینبغی أن یكون الطواف بالبيت فيما بين مقام ابراهيم عليه السلام والبيت یخرج المقام فی طوافه»؛ «سزاوار است طواف میان مقام و خانه واقع شود؛ به گونه‌ای که مقام از طواف خارج باشد».^{۱۷}

محقق حلی (۶۰۲-۷۶۶هـ) در «تسریع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» می‌نویسد: «فالواجب سبعة ... و أن یكون بين البيت والمقام»؛ «واجبات طواف هفت است؛ از جمله اینکه بین خانه و مقام واقع شود».^{۱۸}

ابن سعید حلی (۶۰۱-۶۸۹هـ یا ۹۰هـ) در «الجامع للتسریع» نوشته است: «والطواف سبعة أشواط بين المقام والبيت»؛ «طواف هفت دور، بین خانه و مقام است».^{۱۹}
 علامه حلی (۴۷-۷۲۶هـ) در «قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام» آورده است: «الطواف بين البيت والمقام ولو ادخل المقام فيه لم یصح»؛ «باید طواف بین خانه و مقام باشد و چنانچه مقام را در طواف داخل کند، صحیح نیست».^{۲۰}

شهید اول (۷۳۴-۷۸۶هـ) در «الدروس الشرعیة» می‌نویسد: «الطواف بين البيت والمقام فلو أدخله لم یصح فی المشهور و جوز ابن الجنید الطواف خارج المقام عند الضرورة لروایة محمد الحلبي»؛ «واجب است طواف بین خانه و مقام باشد. بنابراین، چنانچه مقام داخل در طواف شود، از نظر مشهور صحیح نیست، ولی ابن جنید طواف بیرون از مقام را هنگام ضرورت براساس روایت محمد حلبی، جایز دانسته است».^{۲۱}

جمع بندی

از آنچه گذشت چند مطلب روشن می‌شود: ۱. برخی از فقیهان صدر اول متعرض مسئله تحدید نشده‌اند؛ ۲. کسانی که متعرض تحدید شده‌اند، هیچ کدام به روایات استدلال نکرده‌اند،

طواف

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۶

بلکه یا استدلال نشده است و یا به احتیاط و یا افزون بر احتیاط، به اجماع نیز استدلال شده است. در هر صورت، تمسک به روایت نشده است تا عمل به آنجا بر ضعف سند باشد.

«طواف» در لغت

خلیل در «العین» می‌نویسد: «طاف بالبيت يطوف طواف و أطاف بهذا الأمر، أي أحاط به فھر مطیف»؛ «بر خانه طواف کرد؛ یعنی به گرد خانه گشت. بر فلان امر اطافه کرد؛ یعنی بر آن، اشراف یافت».^{۲۲}

ابن اثیر در «نهایه» آورده است: «الطواف بالبيت: و هو الدوران حوله تقول طفت أطوف طوفاً و طوفاً والجمع الأطواف»؛ «طواف خانه، به معنای دور زدن در اطراف خانه است ...».^{۲۳}
احمدبن فارس نوشته است: «طوف الطاء والواو والفاء أصل واحد، صحیحٌ يدلُّ علی دوران الشيء علی الشيء»؛ «[طواف] ... بر دور زدن چیزی بر گرد چیز دیگری دلالت دارد».^{۲۴}
فیومی در «مصباح‌المنیر» آورده است: «طاف بالشيء يطوف طوفاً و طوفاً استدار به والمطاف موضع الطواف»؛ «بر چیزی طواف کرد؛ یعنی بر مدارش چرخید و «مطاف» جایگاه (مدار) طواف است».^{۲۵}
بنابراین، معنای لغوی «طواف» همان چرخیدن و دور زدن پیرامون چیزی است.

دیدگاه فقیهان

درباره حدّ مطاف میان فقیهان، نظرات مختلفی وجود دارد که ما در اینجا به ایراد چهار دیدگاه متفاوت و اساسی می‌پردازیم:

۱. دیدگاه گروه اول: فاصله میان بیت و مقام ابراهیم عليه السلام بیست و شش و نیم ذراع و نزدیک به دوازده متر «حد مطاف» است.

صاحبان این نظریه در خصوصیات آن اختلاف کرده‌اند؛ از جمله:

الف - عده‌ای در چهار سوی بیت، حتی از طرف حجر اسماعیل،^{۲۶} این حد را معتبر می‌دانند. طبق این نظریه، در جانب حجر اسماعیل، پس از کسر حد فاصل حجر اسماعیل از خانه - که طواف از آن باطل است - «حد مطاف» فقط نزدیک شش و نیم ذراع خواهد بود. صاحب مسالک عليه السلام از این رأی جانبداری کرده است. .

ب - برخی، گرچه حجر اسماعیل را جزء خانه خدا نمی‌شمرند، در جانب حجر اسماعیل، مبدأ حد مطاف را دیوار حجر اسماعیل دانسته‌اند. طبق این نظریه، حد مطاف در چهار طرف به مقدار مساوی

است، ولی از نظر مکانی در ناحیه حجر اسماعیل، فاصله مطاف از خانه بیشتر است. یعنی مطاف (۲۶/۵ ذراع) از دیوار حجر آغاز می‌شود. صاحب مدارک^{۲۸} و شهید^{۲۹} از صاحبان این دیدگاه‌اند. ج - برخی دیگر معتقدند: چنانچه حجر اسماعیل جزء خانه به‌شمار آید، مبدأ حد مطاف، دیوار حجر اسماعیل است. محقق ثانی^{۳۰} و شیخ حرّ عاملی^{۳۱} از معتقدان این نظراند.

۲. دیدگاه گروه دوم: حد مطاف در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم است، ولی در حال اضطرار، طواف در پشت مقام نیز جایز است. امام خمینی^{۳۲} از صاحبان این فتوا هستند.^{۳۳}
۳. دیدگاه گروه سوم: در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم^{۳۴} را حد مطاف دانسته‌اند، ولی گفته‌اند: «در حال تقیه، طواف خارج این حد نیز صحیح است». صاحب جواهر بر این نظر است.^{۳۳}

۴. دیدگاه گروه چهارم: حد مطاف، محدود به فاصله میان خانه و مقام ابراهیم^{۳۵} نیست. این گروه نیز در خصوصیات اختلاف دارند و چون اهمیت زیادی ندارد، از ذکر آنها خودداری می‌شود. نظرات دیگری نیز وجود دارد؛ مانند اینکه: رعایت بیست و شش و نیم ذراع مستحب است و یا به احتیاط واجب، لازم است و یا رعایت نکردن، مکروه است ولی نیازی به طرح آنها نیست. نظر اول و چهارم در میان اقوال گذشته، از اهمیت بیشتری برخوردار است و اقوال دیگر، به‌نوعی فرع آنهاست. از این رو، با تفصیل بیشتری به آنها می‌پردازیم؛ زیرا، با ردّ قول اول و اثبات قول چهارم، موضوع اقوال دیگر منتفی می‌شود.

ادله قول اول

۱. اجماع

ابن‌زهره در این مسئله ادعای اجماع کرده است، سپس آن را طریق احتیاط و یقین، به برائت ذمه دانسته است. وی بعد از بیان واجبات طواف آورده است:

و أن یکون بین البیت والمقام، فمن ترک شیئاً من ذلك لم یجزئه الطواف بدلیل الاجماع الماضي ذکرة و طریقة الاحتیاط والیقین لبرائة الذمه لأنه لاخلاف فی برائة منه اذا فعل علی الوجه ذکرناه و لیس علی برائتها منه اذا فعل علی خلافه دلیل.^{۳۳}

... (گذشته از واجبات دیگر) طواف باید بین خانه و مقام ابراهیم^{۳۴} باشد. پس اگر طواف‌کننده چیزی از این واجبات را ترک کند، طواف او مجزی نیست. به‌دلیل اجماعی که (قبلاً) گذشت و چون این شیوه احتیاط و یقین به برائت ذمه است و به‌دلیل اینکه بی‌شک با این روش، بدون هیچ اختلافی قطع به برائت ذمه حاصل می‌شود، ولی بر حصول برائت ذمه در طواف، با عمل برخلاف این روش، دلیلی نیست.

نقد و بررسی

اولاً: این اجماع مدرکی است؛ زیرا، خود ابن زهره به دنبال نقل اجماع، این عمل را مبنی بر احتیاط و قاعده اشتغال دانسته است. افزون بر آن، روایت محمدبن مسلم - که به زودی خواهد آمد - بر بطلان طواف در خارج از مقام دلالت دارد و از این رو، احتمال دارد مدرک اجماع کنندگان همین روایت باشد؛ پس اجماع از اعتبار ساقط است. از این رو، شیخ طوسی^{۳۵} در «خلاف» و کتابهای دیگرش ادعای اجماع نکرده است و در «خلاف»، فقط به قاعده احتیاط و اشتغال استناد کرده است؛^{۳۵} با اینکه شیخ در بسیاری از موارد به اجماع تمسک می‌کند.

ثانیاً: اشکال وارد است؛ زیرا، ادعای اجماع با مخالفت بسیاری از فقیهان، از جمله شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه»^{۳۶} سازگار نیست؛ چون، شیخ صدوق در مقدمه کتاب می‌فرماید: «قصدت الی ایراد ما افتی به و احکم لصحته و اعتقد فیه انه حجة فیما بینی و بین ریی»؛^{۳۷} «مقصودم از این کتاب آوردن روایاتی است که به آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و معتقدم که آنها میان من و خدایم حجت است» و در «حد مضاف» روایتی را متعرض شده است که بر جواز طواف - حتی پشت مقام - دلالت دارد. پس معلوم می‌شود فتوای فقهی او جواز طواف از پشت مقام ابراهیم است.

ثالثاً: غیر از ابن زهره، کسی ادعای اجماع نکرده است و میان فقیهان، معروف است که اجماعات ابن زهره از باب ادعای اجماع بر کبراست.

۲. قاعده احتیاط و اشتغال

یکی دیگر از ادله صاحبان نظریه اول، قاعده احتیاط و اشتغال است. شیخ طوسی^{۳۸} در «خلاف» می‌فرماید: «دلیل بر اینکه طواف باید پشت مقام باشد، قاعده اشتغال و احتیاط است».^{۳۸} شبیه این مطلب، در کلام ابن زهره^{۳۹} نیز آمده است.

نقد و بررسی

مسئله مورد بحث از قبیل اقل و اکثر ارتباطی است؛ زیرا، معلوم نیست افزون بر شرایط دیگر، طواف، مشروط و مقید به حد و مکان خاصی هست یا نه. در این باره، همه صاحب نظران گفته‌اند در چنین مواردی (اقل و اکثر ارتباطی) برائت جاری می‌شود. شیخ انصاری در مبحث اقل و اکثر، پس از تقسیمات مختلف و گزارش اقوال گوناگون می‌نویسد: «والمقدمین منهم والمتأخرین».^{۴۰} صریح کلام گروهی از فقیهان، جریان اصالة البرائة و عدم وجوب احتیاط است (در مورد شک در جزء خارجی ناشی از نبود دلیل معتبر) و ظاهر این است که این قول مشهور میان فقه‌های اهل سنت و شیعه است (اعم از فقه‌های گذشته و متأخر).

مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل بر قول اول، روایت محمدبن مسلم است:

محمدبن یعقوب، عن محمدبن یحیی و غیره، عن محمدبن احمد، عن محمدبن عیسی، عن یاسین الضریح، عن حریربن عبدالله، عن محمدبن مسلم، قال: سألته عن حدِّ الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مِنْ خَرَجِ عَنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالْبَيْتِ؟ قَالَ: كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَالْمَقَامِ وَ أَتَمَّ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدَّ مَوْضِعَ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَازَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَالْحَدَّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَالْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدْرٌ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَبْعَدَ مِنْ مَقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا لِغَيْرِ الْبَيْتِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدٍّ وَ لَا طَوَّافٌ لَهُ.^{۲۱}

محمدبن مسلم گفته است: از وی (امام علیه السلام) راجع به حدّ طواف بیت پرسیدم، به گونه‌ای که اگر کسی از آن مقدار تجاوز کند، طواف خانه نکرده است؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله مردم بر گرد خانه و مقام طواف می‌کردند، ولی شما امروز باید میان خانه و مقام طواف کنید. بنابراین، حد مطاف مکانی است که امروز «مقام» در آن واقع شده است. پس هرکس از آن مقدار تجاوز کند، طواف کننده خانه به‌شمار نمی‌آید. اندازه مطاف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و امروز به‌طور یکسان، به اندازه فاصله بین خانه و مقام از چهار سوی «بیت» است. پس اگر کسی در یکی از نواحی، از این مقدار دورتر شود، چیز دیگری جز خانه را طواف کرده است، مانند اینکه بر گرد مسجد طواف کرده باشد؛ زیرا، طواف او در غیر حد مطاف واقع شده است و این طواف نیست.

در سند «تهذیب» به‌جای «و غیره» آمده است: «عن غیر واحد عن أحمدبن محمدبن عیسی». به‌نظر می‌رسد سند «کافی» به واقع نزدیک‌تر باشد؛ زیرا، محمدبن یحیی همیشه از احمدبن محمد، بی‌واسطه نقل می‌کند.

از نظر متن، نقل «کافی» با «تهذیب» یکی است، جز اینکه در کافی به‌جای «خرج عنه» کلمه «خرج منه»^{۲۲} آورده است. دلالت روایت بر اینکه طواف باید میان بیت و مقام صورت گیرد، تمام است؛ زیرا، جمله «أنتم الیوم تطوفون ما بین المقام و بین البیت» ظهور در وجوب دارد و جمله خبریه در مقام انشاء، اگر نگوییم دلالتش بر وجوب از صیغه امر بیشتر است، دست کم مانند صیغه امر دال بر وجوب است. به‌ویژه اینکه در روایت، طواف خارج از مقام را طواف بر گرد خانه نمی‌داند و بر همین اساس، صاحب وسائل الشیعه عنوان باب را

«وجوب كون الطواف بين الكعبة والمقام و عدم جواز التباعد عنها بأكثر في ذلك من جميع الجهات ...» قرار داده است.

نقد و بررسی

جهت روشن شدن مطلب، تحقیق در سند و دلالت روایت لازم است، ولی از نظر سند، اشکالاتی وارد است. از جمله:

اولاً: مطابق نقل تهذیب، روایت مضمرة است.^{۳۲} چون مرجع ضمیر در «سألته» معلوم نیست و مضمرات از اعتبار ساقط است. ممکن است در پاسخ این اشکال گفته شود: مضمرات محمدبن مسلم حجت است؛ زیرا، او و همانند او از غیر امام^{علیه السلام} پرسش نمی‌کنند. پس اشکال اضمحار وارد نیست.

ثانیاً: در سند روایت «یاسین ضریر» واقع شده است که از نظر اندیشمندان دانش رجال، توثیق ندارد. از جمله:

نجاشی^{علیه السلام} درباره وی می‌نویسد: «یاسین الضریر الزیات البصری، لقی أبا الحسن موسی^{علیه السلام} لما كان بالبصرة و روی عنه و صنّف هذا الكتاب المنسوب اليه، أخبرنا محمد بن علي، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى، قال: حدثنا سعد، قال: حدثنا محمد بن عيسى بن عبيد، عن ياسين ...»
ملاحظه می‌شود که هیچ‌گونه توثیقی نسبت به وی وجود ندارد.^{۳۳}

شیخ^{علیه السلام} نیز وی را توثیق نکرده است و با بیان اینکه «او را کتابی است» و با نقل طریقش به آن کتاب، مطلب را خاتمه داده است.^{۳۴}

علامه مجلسی^{علیه السلام} در «مرآة العقول» که شرح احادیث اصول کافی است، نسبت به سند این روایت محمدبن مسلم، فرموده است: «مجهول».^{۳۵}

ایشان در «ملاذلات الخیار فی فهم تهذیب الأخیار» بعد از نقل حدیث افزوده است: «مجهول».^{۳۶}

بنابراین، روایت محمدبن مسلم از نظر سند، اعتبار ندارد و نمی‌توان براساس آن فتوا به «تحدید مطاف» میان خانه و مقام داد؛ اگرچه دلالت آن بر این مطلب تمام باشد.

جواب

برخی از فقیهان، عمل اصحاب را جبران‌کننده ضعف روایت دانسته‌اند. صاحب جواهر بعد از نقل روایت، می‌نویسد: «المنجبر والمعتضد بما عرفت»؛ «ضعف سند با عمل اصحاب جبران شده است».^{۳۸} آیت‌الله شاهرودی^{علیه السلام} می‌فرماید: «ان قلت انه ضعيف سنداً قلت انه و ان كان ضعيفاً سنداً لكن ذلك منجبر بعمل الاصحاب - رضوان الله تعالى عليهم - بمضمونه».^{۳۹}

چنانچه به ضعف سند روایت اشکال شود، در پاسخ گفته می‌شود: اگرچه روایت از نظر سند ضعیف است، ولی ضعف سند با عمل فقیهان به مضمون آن جبران می‌شود. در این باره آیت‌الله داماد^{۴۱} فرموده است: «ان السند لو كان فيه ضعف لكان منجبراً بالعمل»؛ «چنانچه در سند روایت (محمد بن مسلم) ضعفی وجود داشته باشد، با عمل فقیهان جبران می‌شود».^{۴۲}

اشکال

اولاً: جبران شدن ضعف سند با عمل فقیهان، مورد اختلاف است؛ زیرا، برخی از فقیهان آن را قبول ندارند. از جمله: آیت‌الله خوئی در «المعتمد فی شرح المناسک» فرموده است: «و قد ذکرنا غیر مرة ان الاتجار مما لا اساس له عندنا»؛ «بارها بیان کرده‌ایم که جبران ضعف سند با عمل اصحاب، در نظر ما بی‌دلیل است».^{۴۳}

ثانیاً: ضعف سند هنگامی جبران می‌شود که فقیهان پیشین که نظر آنها برگرفته از ائمه^{علیهم‌السلام} به‌شمار می‌آید، به روایت عمل کرده باشند، ولی در ارتباط با مدلول این روایت، همانگونه که در بخش تاریخ مسئله گذشت، تا زمان شیخ طوسی^{رحمته‌الله} اصلاً این مسئله در کتابهای فقهی عنوان نشده است. شیخ طوسی نیز فقط در کتاب خلاف و مبسوط متعرض این بحث شده است و در کتاب شهرت و یا روایت خودداری کرده است و به قاعده احتیاط تمسک جسته است؛^{۴۴} با اینکه روش شیخ در کتاب «خلاف» حتی در موارد اختلافی، تمسک به اجماع و شهرت است.

بعد از شیخ، تا زمان قاضی ابن براج (متوفای ۴۸۱ق) کسی متعرض این مسئله نشده است و ابن براج نیز در «جواهر الفقه» مسئله را عنوان نکرده است و فقط در «المهذب فی الفقه» متعرض آن شده است.^{۴۵}

ثالثاً: عمل مشهور وقتی جابر ضعف سند است که به روایت استناد شده باشد، نه به ادله دیگر. در مورد بحث نیز پیش از این روشن شد که فقط برخی از فقها که تحدید را پذیرفته و استدلال کرده بودند، به احتیاط و اجماع تمسک جسته‌اند، نه روایت.

رابعاً: بر فرض قبول جبران ضعف سند به عمل مشهور، این روایت با روایت حلبی تعارض می‌کند و ترجیح با روایت حلبی است؛ زیرا، موافق عمومات و اطلاقات کتاب است، مانند: «و لیطوفوا بالبيت العتیق».

شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» روایت «حلبی» را که دلالت دارد بر جواز طواف حتی پشت مقام ابراهیم دارد، نقل کرده است. از نقل این روایت به ضمیمه مطلبی که در مقدمه کتاب فرموده است «قصدم دارم روایاتی را بیاورم که بر پایه آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و باور دارم که آنها میان من و خدایم حجت است»،^{۴۶} استفاده می‌شود که شیخ صدوق فتوا به صحت طواف پشت مقام داده است.

طالع

بنابراین، چگونه می‌توان در حکمی ادعای شهرت کرد که تا زمان شیخ طوسی رحمته‌الله، به‌جز وی که به احتیاط تمسک بسته است و به‌جز ابن‌براج رحمته‌الله، کسی متعرض آن نشده است و پیش از آنها، شیخ صدوق فتوا برخلاف آن داده است.

با این اشکالها، معلوم می‌شود که ضعف خبر محمدبن مسلم به قوت خود باقی است و از اعتبار و حجیت ساقط است. در نتیجه، فتوا به اینکه «واجب است طواف در حد فاصل میان خانه و مقام ابراهیم باشد»، بی‌دلیل است و همه اقوالی که اصل تحدید را پذیرفته‌اند و اختلاف در خصوصیات آن شده نیز نادرست خواهد بود، بنا بر سه قول اول درست نیست.

بررسی قول چهارم

صاحبان نظریه دوم، عدم تحدید به روایت «حلبی» استدلال کرده‌اند:

محمدبن علی بن الحسین، باسناده عن ابان، عن محمدبن علی الحلبي، قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الطواف خلف المقام؟ قال: ما أحب ذلك و ما أرى به بأساً فلا تفعله الا أن لا تجد منه بدأً.^{۵۵}
امام صادق عليه السلام در مقام پاسخ از پرسش حکم طواف پشت مقام ابراهیم، فرمودند: آن را دوست ندارم، گرچه اشکالی در آن نمی‌بینم. پس چنین مکن مگر اینکه ناچار شوی.

در حکم بر پایه این حدیث، باید در دو جهت «سند» و «دلالت» روایت بحث کنیم:

روایت از نظر سند بی‌اشکال است؛ زیرا، ابان به قرینه راوی و مروی‌عنه، ابان بن تغلب است و شکی در وثاقت وی نیست، چون توثیقات زیادی درباره‌اش رسیده است. از جمله:

قال له أبو جعفر عليه السلام اجلس في مسجد المدينة وافت الناس فاني أحب أن يري في شيعتي مثلك.^{۵۶}

امام موسی بن جعفر عليه السلام درباره وی فرمود: ای ابان، در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده. من دوست دارم همانند تو در میان پیروانم فراوان دیده شوند.

برخی از فقیهان، از جمله شیخ حسن (فرزند شهید ثانی) در «منتقى الجمعان» فرموده است: «منظور از ابان در سند این روایت، ابان بن عثمان است»^{۵۷} و نیز مقدس اردبیلی رحمته‌الله فرموده است: «ظاهراً منظور، ابان بن عثمان است».^{۵۸}

چنانچه این مطلب صحیح باشد، به اعتبار سند ضرر نمی‌رساند، اگرچه برخی ابان بن عثمان را «واقفی» و برخی «ناوسی» و برخی «فطحی» شمرده‌اند؛ زیرا:

اولاً: این نسبت مورد اختلاف است و بعضی از اندیشمندان بزرگ رجال، در آن اشکال کرده‌اند.^{۵۹}

ثانیاً: فساد مذهب با فرض تقه و مورد اطمینان بودن راوی در گفتار و نقل روایات، در قبول روایت وی تأثیری ندارد. از باب مثال: «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا»، آنچه را روایت می‌کنند بگیرید (کنایه از روایات)، آنچه را نظر می‌دهند رها کنید (کنایه از اعتقادات).
ثالثاً: وی، از مشایخ «ابن ابی عمیر» است. پس مشمول شهادت عام شیخ می‌شود که:
«لا یروی الا عن ثقة».^{۶۰}

رابعاً: از اصحاب اجماع است.^{۶۱}

بنابراین، «سند» بی‌اشکال است، به‌ویژه که شیخ صدوق به آن عمل کرده است. اشکال دیگری که بر روایت می‌گیرند، عبارتست از: اعراض مشهور. آیت‌الله شاهرودی^{۶۲} فرموده است: «ولکن اعراض الاصحاب عنه مانع عن العمل به»؛ «اعراض فقیهان مانع عمل کردن به این حدیث است».^{۶۳} این اشکال نیز درست نیست؛ زیرا:

اولاً: با عمل و فتوای شیخ صدوق^{۶۴} به این روایت، همان‌گونه که پیش از این بیان شد، چگونه اعراض ثابت می‌شود. به‌ویژه که تا زمان شیخ طوسی^{۶۵} این مسئله در کتابهای فقهی عنوان نشده است و از زمان شیخ به بعد، بسیاری از فقیهان (متأخرین) به این روایت عمل کرده‌اند. از جمله:

علامه^{۶۶} در «منتهی الطالب» می‌فرماید: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف در خارج از مقام، به هنگام ضرورت».^{۶۷} مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
در «مدارک الاحکام» فرموده است: «ظاهر عبارت شیخ صدوق، فتوا به مضمون روایت حلبی است و این فتوا بعید نیست».^{۶۸}

صاحب جواهر^{۶۹} فرموده است: «خبر حلبی دلالت دارد بر جواز طواف خارج از مقام، در حال تقیه».^{۷۰} همو می‌نویسد: «ابوعلی، براساس صحیحۃ حلبی، فتوا به جواز طواف خارج از مقام داده است».^{۷۱} نراقی^{۷۲} فرموده است: «اگر مخالفت شهرت و اجماع روا باشد، باید به مضمون موثقه حلبی فتوا داده شود».^{۷۳}

صاحب ذخیره^{۷۴} می‌فرماید: «فتوا به مضمون روایت حلبی ندادن، مشکل است».^{۷۵} صاحب ریاض^{۷۶} فرموده است: «اسکافی، طواف خارج از مقام را جایز شمرده است». صاحب جواهر می‌نویسد: «علامه در مختلف و تذکره تمایل به فتوا به مضمون خبر حلبی نشان داده است».^{۷۷}

مقدس اردبیلی^{۷۸} فرموده است: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف به هنگام ضرورت، همان‌گونه که در منتهی فرموده است».^{۷۹}

آنچه گذشت، دیدگاه برخی از فقیهان است که به مضمون خبر حلبی عمل کرده‌اند و چنانچه تتبع شود، به‌طور مسلم فقهای دیگری نیز به مضمون آن عمل کرده‌اند؛ حال یا رد، یا حمل بر تقیه و یا حمل بر ضرورت و قبول کرده‌اند. در هر صورت، ادعای اعراض بی‌اساس است.

ثانیاً: اعراض مشهور هنگامی موهن روایت است که کاشف از خلل در نقل و یا منقول باشد و چنانچه احتمال داده شود که اعراض از جهت وجه، صناعی بوده است، موهن نخواهد بود. در اینجا، احتمال دارد [بل اطمینان هست] که عمل نکردن مشهور، به این دلیل بوده است که در بیان این دو روایت، تعارض دیده‌اند و روایت حلبی را چون موافق عامه بوده است، طرح کرده‌اند. شاهد بر این مطلب، نظر صاحب جواهر است که می‌فرماید: «طواف خارج از مقام، در صورت تقیه صحیح است» و نیز صاحب جواهر از شافعی نقل می‌کند که طواف در هر جای مسجد حتی در زیر سقف، جایز است. پس معلوم می‌شود روایت حلبی موافق عامه است و اعراض اصحاب از این جهت بوده است.

ثالثاً: وهن روایت با اعراض مشهور، مورد اختلاف است؛ زیرا، برخی از فقها^{۱۱} اعراض را موهن نمی‌دانند، پس اشکال بنایی است.

از نظر دلالت

بنابراین اگر نگوئیم جمله «ما أحییَ ذلک و ما أری به بأساً» نص در جواز است، بی‌شک در صحت طواف پشت مقام ابراهیم به هنگام اختیار، ظهور قوی دارد و این دو جمله قرینه است بر تنزیهی بودن نهی در جمله «فلا تفعله». بنابراین، طواف پشت مقام ابراهیم در حال اختیار، مکروه است و در حال اضطرار، این کراهت مرتفع می‌گردد.

بر فرض قبول جبران ضعف سند روایت محمدبن مسلم به عمل مشهور این دو روایت، متعارض می‌شود و ترجیح با روایت حلبی است؛ زیرا، موافق اطلاق کتاب است. ممکن است گفته شود روایت محمدبن مسلم مخالف عامه است، پس مقدم می‌شود، جواب داده می‌شود ترجیح به موافقت کتاب بر ترجیح به مخالفت عامه مقدم است. چون بر مبنای روایت راوندی، اول باید دو خبر متعارض را به قرآن عرضه کرد و موافق کتاب را اخذ کرد و اگر هیچ کدام موافق کتاب‌الله نبود، باید مخالف عامه را گرفت و آنگاه بر فرض تساوی، نوبت به تخییر یا تساقط می‌رسد که در صورت تساقط، مرجع، اطلاق ادله طواف است که شامل طواف پشت مقام نیز می‌شود.

نتیجه

تاکنون ثابت شد که طواف پشت مقام ابراهیم، در حال اختیار، مکروه است و این کراهت با اضطرار، مانند ازدحام و... مرتفع است. پس اقوال دیگر صحیح نیست؛ زیرا، اقوال دیگر فرع قول اول است که بپذیریم لازم است طواف میان بیت و مقام باشد.

آری! احتیاط همیشه خوب است. به ویژه در عبادتی مانند حج که بر هر مکلفی در تمام عمر یک بار بیشتر واجب نیست و اساس بسیاری از احکام و مناسک آن، بر تحمل زحمت، مشقت و امتحان بنا شده است.

خاتمه

در خاتمه جهت تکمیل بحث، به چند مطلب دیگر اشاره می‌کنیم:

الف - مرحوم آیت‌الله العظمی خویی در «شرح مناسک»، چون «یاسین ضریر» در سند روایت محمدبن مسلم واقع شده است و گفته‌اند مجهول است و روایت را ساقط کرده‌اند و براساس روایت حلبی که از نظر سند و دلالت، تمام است، فتوا به جواز طواف پشت مقام داده‌اند.^{۳۲}

ولی، این فقیه محقق مدقق، تعویض در سند را قبول دارد، چون در تنقیح فرموده است: «و بهذا الطريق الذی اُبدیناه اخیراً یکنک تصحیح جملة من الروایات»؛ «با این روش (تعویض سند) که به تازگی بدان دست یافته‌ایم، تصحیح بسیاری از روایات ممکن است».^{۳۳}

طبق این مینا، خبر محمدبن مسلم با ضعف «یاسین ضریر»، از اعتبار ساقط نمی‌شود؛ زیرا، شیخ در فهرست فرموده است: «له کتب اخبرنا بجمع کتبه و روایاته الشیخ أبو عبدالله محمد...»؛ ضریر کتابهای زیادی دارد که شیخ مفید آنها و روایاتش را به ما خبر داده است. پس شیخ، راه دیگری به همه کتابها و روایات ضریر دارد. در نتیجه، با اعتبار روایت محمدبن مسلم، میان این دو خبر تعارض می‌شود و باید روایت محمدبن مسلم را در مقام حل تعارض بر کراهت حمل کنیم؛ زیرا، جمله‌های «لا أحب» و «لا بأس» در روایت حلبی، صریح در جواز است و این قرینه می‌شود که ظهور روایت محمدبن مسلم بر کراهت حمل شود، نه اینکه آن را به‌طور کلی ساقط کنیم.

ب - چنانچه نظر مشهور در حد مطاف را (فاصله میان خانه و مقام) بپذیریم، مبدأ این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) دیوار خانه و یا دیوار حجر اسماعیل خواهد بود و در این مسئله نیز، چند قول هست:

اول: مبدأ، دیوار خانه است. صاحب «مسالك» که خود این نظر را ابراز کرده، فرموده است: «و یجب مراعاة هذه النسبیه من جميع الجهات؛ فلو خرج عنها ولو قليلاً بطل»؛ «واجب است رعایت

طواف

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۱۶

این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) در تمام اطراف. بنابراین، اگر مختصری از این حد تجاوز کند، طواف باطل است».^{۷۳}

دوم: مبدأ، دیوار حجر اسماعیل است، اگر حجر اسماعیل از بیت باشد و اگر حجر اسماعیل جزء بیت نباشد، مساحت از دیوار خانه محاسبه می‌شود.

صاحب جواهر در تأیید این نظر فرموده‌اند: «لا اشکال فی احتساب المسافة من جهة الحجر من خارج، بناءً علی أنه من البیت»؛ «در محاسبه حد مطاف (بیست و شش و نیم ذراع) از خارج دیوار حجر، اشکالی نیست، در صورتی که حجر جزء خانه باشد».^{۷۴}

سوم: مبدأ، دیوار حجر است، گرچه حجر را جزء خانه ندانیم. صاحب مدارک^{۷۵} این رأی را پسندیده و فرموده‌اند: «و تحتسب المسافة من جهة الحجر من خارجه و ان قلنا بخروجه عنه اوجب ادخاله فی الطواف فلا یكون محسوباً من المسافة»؛ «مطاف در طرف حجر اسماعیل از خارج حجر به حساب می‌آید. هر چند قائل شویم حجر جزء خانه نیست؛ زیرا، واجب است حجر اسماعیل را در طواف داخل کنیم. بنابراین، فاصله حجر تا خانه، از مطاف محاسبه نمی‌شود».

نقد و بررسی

بی تردید، مفاد روایت محمد بن مسلم، قول اول است؛ زیرا، اطلاق عبارات امام علیه السلام که فرمود: «طواف در حد فاصله میان خانه و مقام ابراهیم (بیست و شش و نیم ذراع) واقع شود»، تمام چهار طرف را شامل می‌شود. به ویژه جمله: «والحد قبل الیوم والیوم واحد قدر ما بین المقام و بین البیت من نواحي البیت کُلّها، فمن طاف بالبیت فتباعد من نواحيه ابعد من مقدار ذلک کان طائفاً بغير البیت». بنابراین، استثنای ناحیه حجر اسماعیل از این حد، نیاز به دلیل دارد.

برخی از فقیهان فرموده‌اند:^{۷۶} از عبارت «قدر ما بین البیت و المقام» ظاهر می‌شود که «حد طواف (بیست و شش و نیم ذراع) از جایی که طواف جایز است محاسبه می‌شود، نه اینکه از خانه به مقدار بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف است و در طرف حجر، چون طواف از کنار حجر جایز است، تا بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف خواهد بود».

به عبارت روشن‌تر: امام علیه السلام این فاصله (بیست و شش و نیم ذراع) را از هر کجا که طواف صحیح است حد مطاف قرار داده‌اند، نه فاصله بیست و شش و نیم ذراع را از خانه، تا در نتیجه در جانب حجر، فاصله حجر اسماعیل از این مقدار کم شود.

برخی فقیهان، بر این مطلب ادعای شهرت [یل اجماع] کرده و فرموده‌اند: «والمشهور لدى الاصحاب بل کاد أن یكون اجماعاً هو الثانی فعليه لا یتضیق الناس عند الطواف مع الزحام»؛

«مشهور فقها بل اجماع آنان، بر قول دوم (احتساب مسافت مطاف از دیوار حجر) است. بنابراین، با فراوانی جمعیت، مردم به هنگام طواف دچار سختی نمی‌شوند».^{۷۸}

شاهد دیگر اینکه: اگر حد مطاف در طرف حجر، محدود به شش متر بود - از باب «لو كان لبان» - به شکلی صریح بیان می‌شد؛ زیرا، مسئله مورد ابتلای مردم است و اهل سنت به حد خاصی قائل نیستند و این در حالی است که هیچ روایتی در این جهت، غیر از اطلاق روایت محمد بن مسلم به ما نرسیده است. پس معلوم می‌شود مساحت بیست و شش و نیم ذراع، از دیوار حجر محاسبه می‌شود، چه حجر جزء خانه باشد و یا نباشد.

ج - آیا حد فاصل بین خانه و مقام حقیقی (سنگی که ابراهیم علیه السلام بر آن ایستاده)، حد مطاف است، یا حد فاصل بین خانه و مقام عرفی (سنگ همراه دیوار اطراف) است؟

در این مسئله نیز چند نظر وجود دارد: برخی از فقها مانند صاحب جواهر علیه السلام ملاک را مقام حقیقی دانسته است. وی، پس از طرح این پرسش که: آیا مقام که حد مطاف است، عبارتست از دیوار اطراف حُجره و مقام که خود صخره است. فرموده‌اند: «ظاهر این است که مسافت میان خانه و مقام حقیقی در مطاف است طواف است».^{۷۹}

برخی نیز فرموده‌اند: «ملاک، مقام عرفی است».
صاحب حدائق علیه السلام فرموده‌اند: «برخی از فقها، مقام را در معنای عرفی آن، یعنی سنگ و بنا استعمال کرده‌اند».^{۸۰}

نقد و بررسی

در این رابطه، دلیل خاصی که دلالت کند، ملاک مقام حقیقی است یا مقام عرفی، وارد نشده است.

بی‌شک، مقام در کلمات فقها بر مقام عرفی اطلاق شده است. محدث بحرانی علیه السلام می‌فرماید: «در نظر عرف، مقام عبارتست از سنگ‌بنای اطراف آن و فقها نیز این معنا را در کلماتشان استعمال کرده‌اند».^{۸۱}

همیشه، عناوین شرعی بر معنای عرفی آن حمل می‌شود، مگر اینکه شارع، بیان و تعریف خاصی داشته باشد.

بله، اگر ادعا شود که حمل مقام بر معنای عرفی آن، مجازی است، در این صورت، اگرچه اصالة الحقیقه این احتمال را دفع می‌کند، ولی بدون شک، استعمال مقام در لسان شرع، در مقام حقیقی آن اظهر است. پس ملاک، مقام حقیقی است، به‌ویژه که موافق احتیاط است. بنابراین، چنانچه رعایت حد فاصل میان خانه و مقام لازم باشد، ملاک مقام حقیقی است.

د - از روایت محمد بن مسلم برداشت می‌شود که به‌طور قطع، مکان نصب مقام ابراهیم تغییر کرده است، ولی اینکه نحوه تغییر چگونه بوده است؟ صاحب جواهر از «ارباب تاریخ» شش قول را گزارش کرده است. آنچه که از نگاه فقهی قابل توجه است این است که از روایت استفاده می‌شود: حد مطاف متوقف بر دایره بود و نبود مقام نیست. بنابراین، چنانچه مقام در مسافت کمتر از بیست و شش و نیم ذراع تا خانه نصب شود، ملاک همان بیست و شش و نیم ذراع است. همچنین، اگر مقام کنده شود و در مسافت دور از بیست و شش و نیم ذراع نصب شود، باز هم مطاف در نظر قائلان محدود بودن آن، همان بیست و شش و نیم ذراع است. از اینجا معلوم می‌شود فقهای که فرموده‌اند طواف بر روی شاذروان باطل است، مستندشان عدم صدق طواف است، بنا بر اینکه شاذروان جزء دیوار خانه باشد.

ه - بر مبنای صحیح (محدود نبودن حد طواف)، ملاک صحت طواف صدق طواف است؛ هرچند با فاصله زیاد. بنابراین، اگر جمعیت طواف کننده به خانه متصل باشند، طواف صادق است و صحیح؛ هرچند فاصله از خانه زیاد باشد.

نظرات فقهای اهل سنت

در پایان جهت آگاهی از نظرات فقهای اهل سنت، شایسته است نگاهی هرچند گذرا به فتوای آنان داشته باشیم:

مذهب فقهی شافعی

محمد بن ادریس الشافعی المطلبی (۱۵۰-۲۰۴ق) صاحب «لام»، فصلی را به مکان طواف اختصاص داده است و در این باره گفته است:

والمكان الطواف بالبيت من وراء الحجر و وراء شاذروان الكعبة ...

و قال الشافعي والمسجد كله موضع للطواف.^{۸۲}

مکان طواف بر دور خانه این است که از پشت حجر اسماعیل و شاذروان کعبه طواف شود.

شافعی گفته است: تمام مسجد مکان طواف است.

اسماعیل بن یحیی المصبری المزنی (۲۶۴ق) صاحب «مختصر المزنی»، در مقام شرایط طواف می‌نویسد: «والدنون من البيت احب الی ... و ان طاف فسلک الحجر او علی جدار الحجر او علی شاذروان الكعبه لم یعتد به فی الطواف»؛ «نزدیک بودن به خانه برای من محبوب‌تر است و اگر در طواف، از حجر اسماعیل و یا دیوار آن و یا از روی شاذروان بروی، جزء طواف محسوب نکند».^{۸۲}

ابواسحاق ابراهیم شیرازی (۴۷۶ق) از فقهای شافعی، صاحب «المهذب»، در تبیین شرایط طواف نوشته است: «ولا یجزئه حتی یطوف حول جمیع البیت فان طاف علی جدار الحجر لم یجزئه لان الحجر من البیت ... والمستحب ان یدنو من البیت لانه هو المقصود فکان القرب منه افضل»؛ «و طواف صحیح نیست مگر اینکه دور تمام خانه باشد. پس اگر بر روی دیوار حجر اسماعیل طواف کند، صحیح نیست؛ زیرا، حجر جزء خانه است و مستحب است نزدیک خانه طواف کند، چون مقصود اصلی خانه است. پس نزدیک شدن به آن افضل است».^{۸۴}

احمد بن الحسینی اصفهانی (۵۰۰ق) صاحب متن ابی شجاع و از علمای شافعی، متعرض حد مطاف نشده است.

ابوزکریا النووی (۶۳۱-۷۶۶ق) صاحب «منهاج الطالبین و عمدة المقتنین»، در مقام تبیین واجبات طواف می‌نویسد:

ولو مشی علی الشاذروان او من الجدار فی موازاته او دخل من احدی
فتحتی الحجر و خرج فی الاخری لم یصح طوافه ... و ان یطوف
داخل المسجد.^{۸۵}

و اگر بر روی شاذروان طواف کند و یا دیوار خانه را در موازات شاذروان طواف کند و یا از یکی از دو درب حجر اسماعیل داخل و خارج شود، طواف او صحیح نیست و از جمله شرایط صحت طواف این است که در داخل مسجد باشد.

مذهب فقهی حنفی

احمد بن محمد قذوری بغدادی (م ۳۳۲-۴۲۸ق) در «المختصر»، هیچ‌گونه اشاره‌ای به اینکه طواف باید میان مقام و خانه باشد نکرده است.^{۸۶} وی تصریح می‌کند که طواف باید از پشت حطیم باشد.

علاء الدین ابوبکر بن مسعود الکاسانی، معروف به ملک العلماء (۵۸۷ق) در «بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع» تصریح می‌کند بر اینکه طواف در هر جای مسجد صحیح است:

والطواف بالبیت هو الطواف حوله فیجوز الطواف فی المسجد الحرام
قرباً من البیت او بعیداً عنه بعد ان یکون فی المسجد حتی او لو طاف
من وراء زمزم قریباً من الحائط المسجد اجزاه لوجود الطواف بالبیت ...
و یطوف من خارج الحطیم لان الحطیم من البیت علی لسان
رسول الله ﷺ و ان الحطیم من البیت.^{۸۷}

طواف خانه عبارتست از طواف در گرد آن. بنابراین، جایز است طواف در مسجد الحرام نزدیک و یا دور از خانه، حتی اگر از پشت زمزم نزدیک

دیوار مسجد طواف کند صحیح است؛ زیرا، طواف بر خانه صادق است و باید از پشت حطیم طواف کند؛ زیرا، حطیم در فرمایش رسول خدا ﷺ، از بیت شمرده شده است.

برهان‌الدین ابوالحسن علی بن ابی بکر الفرغانی (۵۱۱-۵۹۳ق) صاحب «الهدایه شرح بدایة‌المجتهد»، متعرض حد مطاف نشده است و آن را به گونه اطلاق مطرح کرده است. البخاری (۷۴۵ق) صاحب «مختصرالوقایه»، از علمای حنفی نیز متعرض حد مطاف نشده است.

مذهب فقهی مالکی

ابوعبدالله مالک بن انس الاصبجی (۹۳-۱۷۹ق) صاحب «المدونة الکبری» از فقهای مشهور مالکی، با اینکه به تفصیل وارد مباحث حج شده است، ولی نسبت به حد مطاف هیچ گونه اظهار نظری نکرده است.

شیخ ابومحمد عبدالله بن ابی زید القیروانی (۳۸۹ق) از فقهای مالکی، صاحب «متن الرساله» نیز متعرض حد طواف نشده است.

شیخ یوسف قرطبی (۳۶۸-۴۶۳ق)، صاحب «الکافی فی فقه اهل‌المدینه» از علمای مکتب فقهی مالکی نیز حد طواف را متعرض نشده است.

ابن رشد، صاحب کتاب معروف «بدایة‌المجتهد»، در مقام بحث از شرایط از جمله آنها موضع را بیان می‌کند و در تحدید مکان طواف می‌گوید: جمهور علما بر این باورند که حجر جزء خانه است و لازم است آن داخل در طواف باشد و نه بیرون، هرچند ابوحنیفه و اصحاب او گفته‌اند داخل کردن حجر در طواف سنت است.^{۸۸}

شیخ ابوالقاسم جزوی کلبی، صاحب «القوانین‌الفقهیه» در تبیین واجبات طواف می‌نویسد: «الخامس: ان یطوف بداخل‌المسجد».^{۸۹}

معلوم می‌شود حد مطاف در نظر او مسجد است.

مذهب فقهی حنبلی

ابن‌قدمه (۵۴۱-۶۲۰ق) از فقهای حنبلی و صاحب «عمدة‌الفقه»، متعرض حد مطاف نشده است. همو در «المقنن» نیز متعرض حد مطاف نشده است.

همو در «کافی»، در مقام تبیین شرایط حج طواف، نه شرط را برمی‌شمارد: از جمله اینکه باید طواف بر تمام خانه باشد و اگر طواف از داخل حجر اسماعیل و یا بر دیوار حجر و یا بر شاذروان باشد صحیح نیست.

ولی از حد مطاف سخنی به میان نیاورده است.

جمع‌بندی

از آنچه گذشت مشخص می‌شود فقهای اهل سنت حد مطاف را مسجد می‌دانند و در هیچ مکتبی از مکاتب فقهی چهارگانه معروف، سخنی از تحدید مقام به حد فاصل مقام و بیت، به‌میان نیامده است. از مجموع مباحث می‌توان نتایج زیر را استخراج کرد:

الف - تحدید مطاف تا زمان ابن‌زهره (۵۸۵ق) در کلمات فقهای شیعی، به جز برخی کتابهای شیخ و ابن‌براج رحمتهما دیده نشده است. پس شهرتی که جابر ضعف سند روایتی که دال است بر تحدید مطاف میان خانه و مقام، وجود ندارد، بلکه شیخ نیز در مسئله به احتیاط تمسک جسته است.

ب - طواف در لغت، به‌معنای دور زدن است و اهل لغت در این جهت اختلاف ندارند.

ج - در مسئله چهار قول است، ولی مهم آن قول اول و چهارم است.

د - اجماع و قاعده احتیاط و روایت محمدبن مسلم، ادله قول به تحدید مطاف است و همه آنها بررسی و رد شد.

ه - دلیل قول به جواز طواف پشت مقام ابراهیم، روایت حلبی است که از نظر سند و دلالت، تمام است و اعراض فقها از آن ثابت نیست، بلکه بسیاری از فقها به آن عمل کرده‌اند.

و - بنا بر قبول قول تحدید طواف، راجع به اینکه مبدأ مطاف در طرف حجر اسماعیل، دیوار خانه است یا حجر، سه قول بیان و ثابت شد. مبدأ، دیوار حجر است.

ز - مقصود از مقام، مقام حقیقی است نه مقام عرفی.

ح - نظر فقهای اهل سنت این است که مطاف تمام مسجد است و محدود به فاصله میان خانه و مقام نیست.

طواف

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

پی‌نوشتها:

۱. مقام ابراهیم سنگی است در فاصله ۲۶/۵ ذراعی در خانه که حضرت ابراهیم علیه السلام [یا جهت بالا بردن دیوار خانه، یا به جهت اعلان و دعوت مردم و یا جهت شست‌وشوی سر] بر روی آن ایستاده است (بشار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۳۲، مؤسسه‌الوفاء؛ نیز بنگرید: جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۵).
۲. مروارید، علی اصغر، *سلسله یتابیع الفقہیہ*، بیروت، مؤسسه فقه‌الشیعه دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۷، ص ۳۱.
۳. همان، ص ۵۰.
۴. همان، ص ۱۰۶.
۵. همان، ص ۱۲۶.
۶. همان، ج ۳۰، ص ۱۴۰.
۷. همان، ج ۷، ص ۱۵۵.
۸. همان، ص ۱۸۹.
۹. همان، ص ۲۲۹.
۱۰. همان، ج ۳۰، ص ۷۹.
۱۱. همان، ج ۳۰، ص ۲۲۹.
۱۲. همان، ج ۷، ص ۲۴۱.
۱۳. همان، ص ۲۵۱.
۱۴. همان، ص ۲۹۰.
۱۵. همان، ج ۸، ص ۴۰۲.
۱۶. همان، ص ۴۳۶.
۱۷. همان، ص ۵۳۳.
۱۸. همان، ص ۷۴۹.
۱۹. همان، ص ۷۰۸.
۲۰. همان، ص ۷۴۹.
۲۱. همان، ج ۳۰، ص ۴۱۵.
۲۲. التخلیل القراهیدی، عبدالرحمن، *کتاب العین*، بیروت، منشورات دارالهجره، ج ۷، ص ۴۵۸.
۲۳. ابن اثیر، *النهایه فی غریب‌الحديث والاثار*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۳، ص ۱۴۳.
۲۴. احمدین فارس، *معجم مقاییس اللغه*، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۳۲.
۲۵. محمدبن علی فیومی، *المصباح‌المنیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۵۲۰.
۲۶. حجر اسماعیل علیه السلام نیم‌دایره‌ای واقع در بین رکن شامی و رکن غربی است و مدفن اسماعیل، مادرش هاجر، دختران او و تعداد زیادی از انبیا علیهم السلام است. جهت اطلاع بیشتر، ر.ک: *کتاب اخبار مکه*، ص ۲۳۴ و *فروع کافی*، ج ۴، ص ۲۱۰.



۲۷. مناسک حج و احکام عمره، دارالقرآن الکریم، چاپ ششم: آراءالمراجع فی الحج، ص ۲۳۰ و مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۲۱.
۲۸. وی در مدارک الاحکام می‌فرماید: «و تحتسب المسافة من جهة الحجر من خارجه و ان كان خارجاً من البيت» (ر.ک: مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۳۱، مؤسسه آل‌البيت).
۲۹. عبارت شهید^ق در «مسالک» همانند عبارت مدارک است که در پاورقی قبل گذشت.
۳۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، تحقیق مؤسسه آل‌البيت، ج ۳، ص ۱۹۳.
۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل التبیانه، قم، مؤسسه آل‌البيت، ج ۱۳، ص ۳۵۰، پاورقی.
۳۲. مناسک حج، ص ۱۵۸، مسئله ۲، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
۳۳. صاحب جواهر، محمد بن حسن بن باقر، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۹، ص ۳۹۹.
۳۴. الجوامع الفقهیه، ص ۵۷۸، انتشارات جهان.
۳۵. سلسله ینایع الفقهیه، ج ۳۰، ص ۴۳۶.
۳۶. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات المهدی، ۱۳۶۳ هـ، ج ۲، ص ۲۴۹.
۳۷. همان، ج ۱، ص ۳.
۳۸. سلسله ینایع الفقهیه، ج ۳، ص ۴۳۶.
۳۹. الجوامع الفقهیه، ص ۵۷۸.
۴۰. شیخ انصاری، قواعد الاصول، جزء ۲، ص ۳۱۷، چاپ کنگره.
۴۱. وسایل التبیانه، ج ۱۳، ص ۳۵۰، باب ۲۸، ابواب طواف، ح ۱، مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث و کافی، ج ۴، ص ۴۱۳. برخی نقل کرده‌اند، مقام را در عصر قریش به جهت ترس از اینکه حوادث طبیعی از جمله سیل به آن ضرر برساند، از جای اصلی (فعلی) کنند و در نزدیک خانه نصب کردند، ولی در عصر خلافت عمر به جای اصلی عودت داده شد. البته نقلهای دیگری نیز در این رابطه هست، از جمله اینکه حضرت رسول حجر را در موضع اصلی نصب کرد، بعد در زمان عمر سیل آن را از جای کند، عمر دوباره آن را در جای اصلی نصب کرد.
۴۲. طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۱۰۸، ح ۳۵۱.
۴۳. همان.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم، چاپ مؤسسه نشر اسلامی، ص ۴۵۳.
۴۵. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم، ج ۲۰، ص ۱۱.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۸، ص ۳۱.
۴۷. همان، ملاذ الخیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۷، ص ۳۹۲.
۴۸. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۶.
۴۹. کتاب الحج، تقریر بحث آیت‌الله سید محمود حسینی هاشمی، مطبعة القضا فی النجف، ج ۴، ص ۳۱۳.
۵۰. کتاب الحج، تقریر بحث آیت‌الله حاج سید محمد محقق، ج ۳، ص ۴۳۹.
۵۱. المعتمد، ج ۴، ص ۳۴۱، ناشر لطفی.

طلب

سال هشتم - شماره ۲۹ - پاییز ۱۳۸۸

۲۴

۵۲. سلسلهٔ ینابیع الفقهیه، ج ۳۰، ص ۲۲۹.
۵۳. همان، ج ۷، ص ۲۴۱.
۵۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.
۵۵. وسایل الشیعه، ج ۱۳، باب ۲۸، ابواب الطواف، ج ۲، ص ۳۵۰ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.
۵۶. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۹۷.
۵۷. شیخ جلیل، حسن بن زین الدین (الشهید الثانی)، منتقى الجمعان فی الاحادیث الصحاح والحسان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۳، ص ۲۶۴.
۵۸. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۷، ص ۸۷ مؤسسه نشر اسلامی.
۵۹. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۱۴.
۶۰. معجم رجال الحديث، ج ۲۲، ص ۱۰۲.
۶۱. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱۶ و معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ص ۲.
۶۲. کتاب الحج، ج ۳، ص ۲۱۲ و نک: تقریر بحث حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله.
۶۳. منتهی الطالب، ج ۲، ص ۶۹۰.
۶۴. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۳۱، مؤسسه آل البيت.
۶۵. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۶۶. همان، ص ۲۹۷.
۶۷. نراقی، احمد بن مهدی، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۱، ص ۲۲۴.
۶۸. ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، محقق سبزواری، ص ۶۲۸.
۶۹. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۷۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ هـ، ج ۷، ص ۷۸.
۷۱. المعتمد فی شرح المناسک، ج ۴، ص ۳۴۱.
۷۲. المعتمد، ج ۴، ص ۳۴۱.
۷۳. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۳، ص ۶۸۴.
۷۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، بی نا، ج ۱، ص ۱۲۱، بصیرتی.
۷۵. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۷۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۸، ص ۱۳۱.
۷۷. این نظر را در روز ۷۴/۶/۱۸ از آیت الله سید موسی شبیری رحمته الله شنیدم.
۷۸. کتاب الحج، تقریر ابیات آیت الله سید محمد محقق، ج ۳، ص ۴۳۸.
۷۹. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸.
۸۰. بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق الناصره فی احکام العترة الطاهرة، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱۶، ص ۱۱۴.
۸۱. همان.

- ۸۲ شافعی، محمدبن ادریس، الام، بی‌نا، ۱۳۸۸ ق، ص ۷۶۱، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
- ۸۳ مزنی، اسماعیل بن یحیی، مختصر المزنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۸۲۰ ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
- ۸۴ شیرازی، ابراهیم بن علی، المهذب، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۸۸۶ ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
- ۸۵ نووی، یحیی بن شرف، منهاج الطالبین، ص ۹۲۸، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۱.
- ۸۶ قزوینی، احمد بن محمد، المختصر، ص ۶۰ ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۰.
- ۸۷ کاسانی، ابوبکر، بدائع الصنائع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۴۴، ضمن المصادر الفقهیه، ج ۱۰.
- ۸۸ ابن رشد، محمد بن احمد، بدایة المجتهد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۶۲ ضمن مصادر الفقهیه، ج ۱۱.
- ۸۹ جزی کلبی، شیخ ابوالقاسم، القوانين الفقهیه، ص ۶۱۲ ضمن مصادر الفقهیه، ج ۱۱.

طهر



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی